



سال اول. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۳

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳

عباس مفید^۱

سیدعلیرضا حسینی^۲

فعالیت فرهنگی فطحیه در انتقال حدیث امامیه

(نمونه موردی بنوفضال)



چکیده

بدون تردید، فطحیان یکی از پرکارترین زیرگروه‌های اعتقادی شیعه در چرخه انتقال احادیث در امامیه هستند. در میان فطحیان نیز خاندان بنوفضال (به ویژه حسن بن علی بن فضال و علی بن حسن بن فضال) از جایگاهی ویژه برخوردار می‌باشند. تجلیل و بزرگداشت رجالیان از این خاندان و اعتماد محدثان بر روایات آنان گواه این ادعاست. در این نوشتار سعی شده پس از بیان تاریخچه مختصری از فطحیان، فعالیت فرهنگی آنان در عرصه انتقال حدیث امامیه به تصویر کشیده شود. براین اساس فعالیت فرهنگی بنوفضال به روش توصیفی و تحلیلی و با توجه به کتاب‌های تألیف شده توسط بنوفضال - که نام آن در کتاب فهارس ضبط شده است - و نیز طرق صاحبان فهارس به نگاشته‌های اصحاب و حضور پررنگ در اسناد کتاب الکافی بحث و بررسی شده است.

واژگان کلیدی: فطحیه، حسن بن علی بن فضال، علی بن حسن بن فضال، عبدالله افطح،

بنوفضال.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار و پژوهشگر حوزه علمیه مشهد (نویسنده مسئول). Mofid7033@gmail.com

۲. استاد رجال و حدیث و مدیر گروه حدیث و رجال مؤسسه امام هادی علیه السلام.



۱. پیدایش فطحیه

شیعیان بعد از وفات امام صادق علیه السلام به شش فرقه تقسیم شدند؛ ناووسیه^۱، اسماعلیه^۲، مبارکیه^۳، سمطیه^۴، فطحیه و پیروان موسی بن جعفر که به امامت موسی بن جعفر علیه السلام اعتقاد داشتند.

فطحیه به عنوان یکی از زیرگروه‌های اعتقادی شیعه پس از امامت امام صادق علیه السلام مسیر خود را از امامیه جدا کردند. این گروه به امامت عبدالله افطح^۵ که پس از جناب اسماعیل بزرگترین فرزند امام صادق علیه السلام بود، اعتقاد داشتند. (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۲۱۰) همین ویژگی زمینه شبهه در امامت وی را ایجاد کرد؛ زیرا با توجه به روایات رسیده از اهل بیت یکی از شاخصه‌های امام این است که بزرگترین فرزند امام پیش از خود باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۸۵، ح ۶).^۶ بلکه همین امر یکی از مهمترین جهاتی بود که اصحاب را گرفتار شبهه فطحیه کرد. (کسبی، ۱۴۰۹: ۲۴۵)

۱-۱. عبدالله افطح

از گزارش نوبختی (نوبختی، ۱۴۰۴: ۷۷-۷۸)^۷ و شیخ مفید (۱۴۱۳: ۲/۲۱۰)^۸ و ابن بابویه (۱۴۰۴: ۷۳، ح ۶۲)^۹ چنین بر می آید که عبدالله خود نیز ادعای امامت داشته است. کلینی در نقلی عتاب و برخورد سختگیرانه امام صادق علیه السلام نسبت به وی را چنین گزارش می کند که امام صادق علیه السلام به او می فرماید: «چه چیز مانع می شود که تو همانند برادرت باشی؟ به خدا سوگند من در صورت او نور می بینم.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۱۰، ح ۱۰)^{۱۰} و نقلی دیگر از سرزنش خاص و ویژه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نسبت به وی خبر می دهد (همان: ۱/۳۵۲)،^{۱۱} در انتهای این روایت که سرگردانی مؤمن طاق و هشام بن سالم در امر امامت بعد از امام صادق علیه السلام به تصویر کشیده شده است، هشام پس از هدایت شدن توسط امام موسی بن جعفر علیه السلام می گوید: «عبدالله عده ای را در مدینه مأمور کرده بود که مرا کتک بزنند.» (همان: ۳۵۱)^{۱۲} مرحوم علی بن حسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق) در بابی تحت عنوان «ابطال امامة عبدالله بن جعفر» آورده است که محمد بن حمران از امام موسی

بن جعفر پرسید: آیا عبدالله امام بود؟ حضرت فرمود: او امام نبود و برای آن منصب اهلیت نداشت. (ابن بابویه، علی بن الحسین، ۱۴۰۴: ۷۳، ح ۶۰)

شیخ مفید جایی از وجود اعتقاد ارجاء در وی و در نتیجه همین اعتقاد نیز از بدبینی او نسبت به امام علی علیه السلام و عثمان سخن می گوید (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۲).^{۱۳} او نیز در دو روایت تقیه شدید حضرت صادق علیه السلام از او را به تصویر می کشد (همان).^{۱۴} ابن بابویه نیز این دو روایت را گزارش می دهد. (ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۴۰۴: ۷۳، ح ۶۴ و ۶۵)^{۱۵}

از مجموعه این قرائن می توان چنین نتیجه گرفت که شخصیت عبدالله افطح و افکار وی به هیچ وجه مورد پذیرش امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نبود. اما جمع شدن شرایطی ویژه در عبدالله افطح که در گزارش شهرستانی منعکس شده است در ابتدا امامت وی را باور پذیر جلوه می داد، شرایطی هم چون این که: ۱- فرزند بزرگتر امام صادق بود؛ ۲- انگشتر امام به او رسیده بود؛ ۳- غسل، نماز و تدفین حضرت را برعهده داشت. (شهرستانی، ۱۴۳۱: ۱۶۸)^{۱۶} این ویژگی ها باعث شد در ابتدا تعداد قابل توجهی از بزرگان شیعه به امامت وی معتقد شوند؛ (نوبختی، ۱۴۰۴: ۷۸) اما همین عده نیز به سرعت از آن عقیده دست کشیده و به امامت موسی بن جعفر علیه السلام ایمان آوردند. دلیل این تغییر عقیده این بود که عبدالله تنها هفتاد روز [و به نقلی ۹۰ روز (قمی، ۱۴۱۴: ۵۱/۶)] پس از امام صادق علیه السلام زنده بود (شهرستانی، ۱۴۱۳: ۱۶۸؛ نوبختی، همان: ۷۸؛ کسّی، ۱۴۰۹: ۲۵۴)^{۱۷} و فرزند وی نیز نداشت تا امامت به او منتقل شود؛ بنابراین فطحیه پس از وفات عبدالله به امامت امام کاظم علیه السلام معتقد شدند. با توجه به گزارش شیخ مفید، ضعیف بودن ادعای امامت عبدالله و قوت امر موسی بن جعفر علیه السلام و براهین امامت ایشان در رجوع از این عقیده باطل بدون تأثیر نبود. (مفید، ۱۴۱۳: ب: ۲۱۱/۲) پرسش های علمی اصحاب و پاسخ های امام کاظم علیه السلام را می توان مصداق براهین امامت در کلام شیخ مفید قلمداد کرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۵۱)

البته عده ای از فطحیان پس از وفات عبدالله همچنان به امامت وی باور داشتند و او را امام هفتم و امام کاظم علیه السلام را امام هشتم می خواندند؛ این یعنی پس از حسین علیه السلام نیز استقرار



امر امامت در دو برادر را مانع نمی‌دیدند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۲۵). به همین جهت طبق گزارش شیخ طوسی، گروهی از فطحیان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به امامت برادر ایشان یعنی «جعفر کذاب» ایمان آوردند. (طوسی، همان: ۲۲۵) کشتی نیز باقی ماندن بر باور امامت عبدالله را به عده‌ای نادر از فطحیه نسبت می‌دهد. (کشتی، همان: ۲۵۵، ش ۴۷۲) وی در ترجمه علی بن حسن بن فضال آورده است که بعد از عبدالله به امامت موسی بن جعفر معتقد بود. (همان: ۵۳۰، ش ۱۰۱۴) از مجموعه این گزارش‌ها چنین بر می‌آید که دوران فطحی‌گری تنها به یک بازه زمانی ۷۰ روزه محدود نبود؛ زیرا فطحیان پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام نیز تحرکاتی نشان داده بودند؛ بنابراین این ادعا که پس از وفات عبدالله، همه فطحیان از اعتقاد به امامت وی دست کشیدند و به امامت موسی بن جعفر علیه السلام معتقد شدند^{۱۸}، امری دور از واقع است. در ادامه خواهد آمد که صاحبان فهارس در یادکرد چند چهره سرشناس فطحی به این نکته اشاره کرده‌اند. ناگفته نماند که اعتقاد به امامت موسی بن جعفر علیه السلام به عنوان امام هشتم در چگونگی تعامل فطحیه با امامان و برخورد ائمه علیهم السلام با آنان تأثیر مستقیم دارد.

۲. چهره‌های سرشناس در میان فطحیان

در منابع قدیم با راویان مشهور و پرتکراری مواجه می‌شویم که در برابر نامشان عناوینی همچون «فطحی»، «من الفطحیه» و یا «فطحی المذهب» دیده می‌شود. افرادی همچون حسن بن علی بن فضال (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۸، ش ۷۲)، علی بن حسن بن فضال (همان: ۲۵۸، ش ۶۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۷۳، ش ۳۹۲) و دو برادرش احمد (نجاشی، همان: ۸۱، ش ۱۹۴) و محمد (کشتی، ۱۴۰۹: ۳۴۵، ش ۶۳۹)، عبدالله بن بکیر بن اعین (طوسی، همان: ۳۰۴، ش ۴۶۴)، عمار بن موسی سباباطی (همان: ۳۳۵، ش ۵۲۷؛ کشتی، همان: ۲۵۳، ش ۴۷۱)، اسحاق بن عمار السباباطی (طوسی، همان: ۳۹، ش ۵۲) معاویه بن حکیم (کشتی، همان: ۳۴۵، ش ۶۳۹)، یونس بن یعقوب (همان: ۳۸۵، ش ۷۰)، علی بن اسباط بن سالم (نجاشی، همان: ۲۵۳، ش ۶۶۳)، علی بن حدید بن الحکم (کشتی، همان: ۵۷۰،

ش ۱۰۷۸)، عمرو بن سعید المدائنی. (همان: ۶۱۲، ش ۱۱۳۷)

در انتساب برخی از این چهره‌های یادشده به فطحیه گفتگو فراوان است^{۱۹}؛ تا جایی که بعضی حتی زراره بن اعین را نیز از فطحیه دانسته‌اند! (صابری، ۱۳۸۸: ۳۰۶/۲) درستی یا نادرستی این انتساب‌ها در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد ولی این نکته غیرقابل انکار است که فطحیه نقش بسیار پررنگی در انتقال میراث مکتوب شیعه به نسل‌های بعد دارند. آنان در طرق اجازات کتب بسیاری از امامیه حضور دارند و با تعابیر بسیار بلندی توسط دانشیان حدیث مورد تمجید قرار گرفته‌اند.^{۲۰} برخی از آنان توسط امامان نیز مدح شده‌اند؛ از میان فطحیان بدون تردید بنوفضال از جایگاهی ویژه برخوردار هستند که در ادامه نقش پررنگ آنان در عرصه انتقال احادیث امامیه تبیین خواهد شد.

۲-۱. حسن بن علی بن فضال

خاندان بنوفضال یکی از پرکارترین خانواده‌های حدیثی شیعه هستند. حسن بن علی بن فضال از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار می‌آید که دارای سه فرزند به شرح ذیل می‌باشد:

۱- علی بن حسن بن فضال: او نیز از پرتألیف‌ترین روایان حدیث و از پرکارترین آنهاست که در کتب اربعه در طریق ۱۲۴۲ روایت قرار دارد. ۲- احمد بن حسن بن فضال که نجاشی وی را «ثقة فی الحدیث» خوانده است و در کتب اربعه در طریق بیش از ۵۰۰ روایت حضور دارد. ۳- محمد بن حسن بن فضال: اگرچه در کتب فهارس معنون نیست اما روایات متعددی در کتب اربعه را به خود اختصاص داده است.

۲-۱-۱. جایگاه حسن بن علی بن فضال

بدون تردید یکی از خواندنی‌ترین گزارش‌های فهرست نجاشی، ترجمه حسن بن علی بن فضال است. مرحوم نجاشی از طریق کشی از فضل بن شاذان نقل می‌کند که مردم در وصف وی می‌گفتند: عابدتر از او ندیده و نشنیده‌ایم، به صحرا می‌رفت و سجده‌های طولانی داشت؛ به قدری سخنان مردم در مورد عبادت وی عجیب بوده که فضل گمان کرده بود این مرد از زاهدان و عابدان روزگاران گذشته است. فضل بن شاذان او را می‌بیند. فضل پس از



مدتی به کوفه می‌رود و کتاب عبیدالله بن بکیر و احادیث دیگری را از وی سماع می‌کند؛ فضل می‌گوید: «کتاب ابن بکیر و احادیث دیگری را از او سماع کردم؛ او کتاب ابن بکیر را حمل می‌کرد و به حجره من می‌آمد و این کتاب را بر من قرائت می‌کرد.» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴، ش ۷۲)

از فقرات گزارش نجاشی پیداست که چگونه عبادت، زهد، و تقوای ابن فضال نقل کوچه و بازار شده بود. فضل بن شاذان شهادت می‌دهد که او برای تعلیم کتاب ابن بکیر هر روز به حجره من می‌آمد اما حاضر نشد که به دیدن طاهر بن الحسین برود و می‌گفت «مالی و لطاهر لا أقربهم لیس بینی و بینهم عمل» (همان)؛ «من را به طاهر چه کار؟ نزدیک آنان نمی‌شوم و من را با آنان کاری نیست.» دوری از حاکمان بی‌اعتنایی او نسبت به دنیا را حکایت می‌کند.

نجاشی بر این عقیده است که ابن فضال هنگام مرگ تو به کرده و از باور به عبدالله افطح بازگشته است؛ به همین جهت برای وی ترضی می‌کند. (همان) در جایی دیگر در یادکرد جعفر بن عبدالله رأس المذری، ابن فضال را در کنار افرادی چون ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و حسن بن محبوب با عبارت «جلة اصحابنا» یاد می‌کند. (همان: ۱۲۰، ش ۳۰۶) کشتی نیز همین روایت فضل بن شاذان (کشتی، ۱۴۰۹: ۵۱۵، ش ۹۹۳) و نیز روایت توبه هنگام مرگ را در مورد وی نقل می‌کند. (همان: ۵۶۵) شیخ طوسی در رجال به توثیق وی بسنده می‌کند اما در فهرست علاوه بر توثیق، او را با اوصافی چون «جلیل القدر»، «عظیم المنزلة»، «ورع»، «زاهد» و «از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام» و صف می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۳، ش ۱۶۴) در انتها باید تذکر داد که حسن بن علی بن فضال براساس یک نظریه، از طبقه سوم اصحاب اجماع است. (کشتی، ۱۴۰۹: ۵۵۶، ش ۱۰۵۰)

۲-۱-۲. کتب نگاشته شده توسط ابن فضال

مرحوم نجاشی و شیخ طوسی نگاشته‌های حدیثی مختلفی را به وی نسبت می‌دهند. کتبی که نجاشی و طوسی ذکر کرده‌اند عبارتند از: البشارات، الردّ علی الغالیة، الصلاة.

کتبی که فقط نجاشی ذکر کرده است عبارتند از: الزیارات، النوادر، الشواهد من کتاب الله، المتعة، الرجال الناسخ و المنسوخ، الملاحم، الزهد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴ ش ۷۲)^{۲۱}
کتبی که فقط طوسی ذکر کرده است نیز عبارتند از: الطب، النفسیر، الديات. (طوسی، همان: ۱۲۳ ش ۱۶۴)^{۲۲}

علاوه بر این کتب، مرحوم نجاشی در یادکرد علی بن حسن بن فضال (پسر) و حسن بن علی بن فضال (پدر) از نسخه‌ای سخن می‌گوید که علی بن حسن بن فضال از پدرش از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که تنها ناقل این نسخه مرحوم شیخ صدوق است. (نجاشی، همان: ۲۵۷، ش ۶۷۶) نجاشی در یادکرد حسن بن علی بن فضال در اصالت این کتاب تردید دارد و با تعبیر «فیه نظر» این تردید خود را اظهار می‌کند. (همان: ۳۶، ش ۷۲) و در یادکرد علی بن حسن بن فضال از احمد بن الحسین (الغضائری) نقل می‌کند که این نسخه نزد صدوق موجود بوده و سپس می‌گوید کوفیان نسخه را نمی‌شناسند و تنها با همین طریق روایت می‌شود. (همان: ۲۵۸، ۶۷۶)

نجاشی و طوسی در مجموع ۱۴ کتاب برای حسن بن علی بن فضال ذکر می‌کنند؛ اما وی علاوه بر کتبی که خود تألیف کرده، در طریق روایت کتب فراوانی نیز قرار دارد که گواه فعالیت وسیع وی در عرصه انتقال احادیث است.

۲-۱-۳. کتب روایت شده توسط ابن فضال

پیش از بررسی کتب روایت شده توسط ابن فضال باید توجه شود بنوفضال علی‌رغم فطحی بودن توسط هیچ یک از رجالیان تضعیف نشده‌اند، بنابراین اگر بنوفضال در سند روایتی قرار بگیرند طبق مکتب اعتبارسنجی راوی محور، باعث ضعف سند و در نتیجه طرح روایت نمی‌شود. اما در مواردی که یک راوی تضعیف می‌شود توجه به نقش دوگانه راویان در انتقال احادیث بسیار اهمیت دارد یعنی آن‌گاه که خود، مؤلف یک کتاب حدیثی هستند و آن‌گاه که تنها در طریق نقل آن قرار دارند. بنابر پژوهش‌های جدید در نگاه قدما اگر شخصی در آموزه‌های جمع‌آوری شده‌اش مورد اتهام باشد، می‌تواند در نقل و طریق کتاب سایر



اصحاب، مورد اعتماد باشد و محدثان، کتاب‌های دیگران را از او دریافت کنند. به عبارت دیگر اگر شخصی نقش انتقال روایات سایر اصحاب را برعهده داشته باشد، تضعیف رجالیان نسبت به وی اشکالی در پذیرش روایات دیگران از او به وجود نمی‌آورد.^{۲۳} با این وجود (در فرض پذیرش مبنا) حتی اگر بنوفضال به جهت فطحه بودن تضعیف شوند، این تضعیف ممکن است در روایاتی که در کتب خویش جمع‌آوری کرده‌اند، خللی وارد کند، اما نسبت به روایاتی که تنها در چرخه انتقال آن قرار گرفته‌اند، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

در ادامه به برخی از کتبی که حسن بن علی بن فضال در طریق انتقال آن قرار دارد، اشاره می‌کنیم:

۱. طریق به کتاب حماد بن عثمان؛ (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۵۶، ش ۲۴۰)
۲. طریق به کتاب ابراهیم و فضل بن محمد الاشعری؛ (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵ ش ۴۲؛ طوسی، ۱۴۳۰: ۴۱۴ ش ۵۹۹۶؛ همو، ۱۴۲۰: ۱۹ ش ۱۴) ^{۲۴}
۳. طریق به کتاب عبدالله بن بکیر؛ (نجاشی، همان: ۳۵ ش ۷۲) ^{۲۵}
۴. طریق به کتاب علاء بن رزین؛ (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۲۲، ش ۵۰۰) ^{۲۶}
۵. طریق به کتاب حسن بن جهم بن بکیر بن اعین؛ (نجاشی، همان: ۵۰، ش ۱۰۹؛ طوسی، همان: ۱۲۳ ش ۱۶۳)
۶. طریق به کتاب أحمد بن عمر بن ابی شعبة الحلبي؛ (همان: ۹۸ ش ۲۴۵)
۷. طریق به نسخه احادیث خالد بن طهمان از امام باقر علیه السلام؛ (همان: ۱۵۱، ش ۳۹۷)
۸. طریق به کتاب الدیات ظریف بن ناصح؛ (طوسی، ۱۴۲۰، ۲۵۹، ش ۳۷۳)
۹. طریق به کتاب عبدالله بن ابراهیم بن ابی عمرو الغفاری؛ (همان: ۲۲۵، ش ۵۹۰)
۱۰. طریق به کتاب علی بن شجرة بن میمون؛ (همان: ۲۷۵، ش ۷۲۰)
۱۱. طریق به کتاب عقبه بن خالد؛ (همان: ۲۹۹، ش ۸۱۴) ^{۲۷}
۱۲. طریق به کتاب علی بن عقبه؛ (همان: ۲۶۹، ش ۳۸۵) ^{۲۸}

۱۳. طریق به کتاب فضل بن محمد اشعری؛ (نجاشی، همان: ۳۰۹، ش ۸۴۵)

۱۴. طرق به کتاب معمر بن یحیی بن سالم العجلی؛ (همان: ۴۲۵، ش ۱۱۴۱) ۲۹

۱۵. طریق به کتاب یوسف بن ثابت بن ابی سعیده؛ (همان: ۴۵۲، ش ۱۲۲۲) ۳۰

۱۶. طریق به کتاب ابراهیم بن ابی بکر؛ (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۳، ش ۲۴) ۳۱

۱۷. طریق به کتاب غالب بن عثمان؛ (همان: ۳۵۷، ش ۵۶۳، همو، ۱۴۳۰: ۴۳۵،

ش ۶۲۳۱)

۱۸. طریق به کتاب مروان بن مسلم؛ (همو، ۱۴۲۰: ۴۷۴، ش ۴۶۲)

۱۹. طریق به کتاب مفضل بن صالح؛ (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۷۵، ش ۷۶۵)

۲۰. طریق به کتاب ابوالصباح کنانی؛ (طوسی، همان: ۵۲۵، ش ۸۴۰)

۲-۲. علی بن حسن بن علی بن فضال

۲-۲-۱. جایگاه علی بن حسن بن فضال

مرحوم نجاشی در به تصویر کشیدن جایگاه علمی علی بن الحسن بن فضال در میان روایان حدیث از عباراتی استفاده می کند که برای کمتر کسی این عبارات را به کار می برد: «فقیه اصحابنا بالكوفة و وجههم و ثقتهم و عارفهم بالحديث و المسموع قوله فيه، سمع منه شيئاً كثيراً و لم يعثر له زلة فيه و لا مايشينه و قل ما روی عن ضعيف.» (نجاشی، همان: ۲۵۷، ش ۶۷۶)

کشی از محمد بن مسعود عیاشی در مورد علی بن حسن بن فضال سؤال می کند و این گونه پاسخ می گیرد: «در عراق و خراسان شخصی را ندیدم که افقه و افضل از علی بن حسن بن فضال باشد، کتابی از ائمه در هیچ موضوعی نیست مگر اینکه نزد او موجود است» (کشی، ۱۴۰۹: ۵۳۰، ش ۱۰۱۴) طوسی نیز او را با تعبیر «کثیرالعلم»، «واسع الأخبار» و «جید التصانیف» وصف می کند و کتب وی در فقه را «مستوفاة فی الاخبار» می داند. (طوسی، همان: ۲۷۲، ش ۳۹۲)

یکی از نکات مهم در مورد علی بن حسن بن فضال آن است که وی در موارد فراوانی مرجع



داوری‌های رجالی در کتاب رجال کشی است. مرحوم کشی توسط عیاشی داوری‌ها و توصیفات علی بن حسن بن فضال در مورد تعداد قابل توجهی از روایان را گزارش می‌کند.^{۳۲}

۲-۲-۲. کتب تألیف شده توسط علی بن حسن بن فضال

در فهرستی که نجاشی از نگاشته‌های علی بن حسن ارائه می‌کند، نام ۳۵ نوشتار به چشم می‌خورد. مرحوم نجاشی ۱۳ کتاب از این کتب را در قرائت احمد بن الحسین الغضائری بر احمد بن عبدالواحد سماع کرده است. به نظر می‌رسد کتاب‌های علی بن حسن بن فضال از این ۳۵ مورد بیشتر است؛ زیرا نجاشی از کتب وی با وصف «کثیره» یاد می‌کند و سپس می‌گوید: «منها ما وقع إلینا»، یعنی بخشی از آن کتب فراوان که به ما رسیده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۸، ش ۶۷۶) شیخ طوسی نیز از ۲۷ کتاب نام می‌برد و طریق خود به این کتب را بیان می‌کند. (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۷۲، ش ۳۹۲)^{۳۳}

مرحوم نجاشی در میان کتب علی بن حسن بن فضال کتابی به نام «اصفیاء امیرالمؤمنین» را نام می‌برد که اصحاب در انتساب آن به علی بن حسن بن فضال تردید جدی دارند (نجاشی، همان: ۲۸۵، ش ۶۷۶).^{۳۴} علت تردید اصحاب در انتساب این کتاب به علی بن حسن بن فضال و جعلی خواندن آن، تنها به آن جهت بود که این کتاب به دو شاگرد ابن فضال یعنی «ابن عقده» و «ابن زبیر» منتهی می‌شود، اما هیچ‌کس این کتاب را نزد آن دو قرائت نکرده است بلکه تنها از طریق اجازه، این کتاب را دریافت کرده و روایت می‌کنند.

پایبندی اصحاب به روش‌های علمی (قرائت، سماع) برای راستی آزمایی صحت انتساب کتاب به یک مؤلف در این گزارش به خوبی آشکار است. این سختگیری مثال‌زدنی ضریب احتمال جعل و دس در میراث مکتوب امامیه را تا حد چشمگیری کاهش داده است.

۲-۲-۳. کتب روایت شده توسط حسن بن علی بن فضال

قبل از بیان نقش طریقی و واسطه‌ای وی در چرخه انتقال احادیث امامیه، باید توجه نمود که با توجه به گزارش نجاشی علی بن حسن بن فضال هیچ‌گاه بدون واسطه از پدرش حدیث نقل نمی‌کند. علت نقل نکردن از پدر را سن کم خود در هنگام مقابله بیان می‌کند:

«كنت أقابله -وسنى ثمان عشرة سنة- بكتِّبه و لأفهم إذ ذاك الروايات و لأستحل أن أرويه به اعنه» (همان)، به همین جهت تنها به واسطه دیگران از پدر خود روایت می‌کند؛ با این وجود چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، مرحوم صدوق نسخه‌ای از وی در اختیار داشته که در آن بدون واسطه از پدرش از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند؛ بنابراین بیشتر روایات بدون واسطه علی بن حسن بن فضال از پدرش تنها مربوط به همین نسخه روایات امام رضا می‌باشد.^{۳۵} در مجموع در کتب مرحوم صدوق ۱۱۵ روایت از علی بن حسن بن فضال بدون واسطه از پدرش روایت شده است که بخشی از این روایات، تکراری است.^{۳۶}

علی بن حسن فضال در طریق انتقال کتب بسیاری از روایان قرار دارد؛ که برخی را از نظر می‌گذرانیم:

۱. طریق به کتاب ابان بن عثمان (نجاشی، همان: ۱۳، ش ۸؛ طوسی، همان: ۴۷، ش ۶۲)؛^{۳۷}
۲. طریق به سه کتاب اسماعیل بن مهران بن ابی نصر؛ (همان: ۲۶، ش ۴۹؛ طوسی، همان: ۲۷، ش ۳۲)
۳. طریق به کتاب حسن بن صالح الاحول؛ (همان: ۵۰، ش ۱۰۷)
۴. طریق به دو کتاب برادرش احمد بن حسن بن فضال؛ (همان: ۸۰، ش ۱۹۴)
۵. طریق به یکی از کتب جمیل بن دراج؛ (همان: ۱۲۶، ش ۳۲۸)^{۳۸}
۶. طریق به کتاب الصلاة حماد بن عیسی؛ (همان: ۱۴۲، ش ۳۷۰)
۷. طریق به کتاب فی صفة الجنّة و النار حنان بن سدید صیرفی؛ (همان: ۱۴۶، ش ۳۷۸)
۸. طریق به کتاب ربیع بن محمد بن عمر؛ (همان: ۱۶۴، ش ۴۳۳)
۹. طریق به کتاب روح بن عبدالرحیم؛ (همان: ۱۶۸، ش ۴۴۴)
۱۰. طریق به کتاب سعد بن طریف؛ (همان: ۱۷۸، ش ۴۶۸)
۱۱. طریق به کتاب فضل سورة «إنا أنزلناه» عبدالرحمان بن کثیر؛ (همان: ۲۳۴، ش ۶۲۱)





۱۲. طریق به کتاب عبدالملک بن حکیم خثعمی؛ (همان: ۲۳۹، ش ۶۳۶)
۱۳. طریق به دو کتاب علی بن رئاب؛ (همان، ص ۲۵۰، ش ۶۵۷)
۱۴. طریق به کتاب المزار علی بن اسباط؛ (همان: ۲۵۲، ش ۶۶۳)
۱۵. طریق به نسخه احادیث عباس بن زید؛ (همان: ۲۸۲، ش ۷۵۰)
۱۶. طریق به کتاب الجامع فی الحلال و الحرام عمرو بن عثمان ثقفی؛ (همان: ۲۸۷، ش ۷۶۶)
۱۷. طریق به کتاب عمرو بن خالد واسطی؛ (همان: ۲۸۸، ش ۷۷۱)
۱۸. طریق به کتاب عمار بن موسی ساباطی؛ (همان: ۲۹۰، ش ۷۷۹)
۱۹. طریق به کتاب عاصم بن حمید حناط؛ (همان: ۳۰۱، ش ۸۲۱)
۲۰. طریق به کتاب القضا یا محمد بن قیس؛ (همان: ۳۲۳، ش ۸۸۱)
۲۱. طریق به کتاب محمد بن حکیم خثعمی؛ (همان: ۳۵۷، ش ۹۵۷)
۲۲. طریق به کتاب محمد بن عذافر صیرفی؛ (همان: ۳۵۹، ش ۹۶۶)
۲۳. طریق به هفت کتاب معاویة بن حکیم بن معاویة بن عمار؛ (همان: ۴۱۲، ش ۱۰۹۸)
۲۴. طریق به کتاب مقاتل بن مقاتل بلخی؛ (همان: ۴۲۴، ش ۱۱۳۹)
۲۵. طریق به کتاب ابراهیم بن بکر؛ (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۳، ش ۲۴)
۲۶. طریق به کتاب احمد بن رزق؛ (همان: ۸۳، ش ۱۰۶)
۲۷. طریق به کتاب حسین بن مختار به واسطه محمد بن عبدالله بن زراره؛ (همان: ۱۴۰، رقم ۲۰۵)
۲۸. طریق به ده کتاب علی بن حسن طاطری؛ (همان: ۲۷۲، ش ۳۹۱)
۲۹. طریق به کتاب کردین بن مسمع بن عبدالملک؛ (همان: ۳۷۷، ش ۵۸۵)
۳۰. طریق به کتاب یحیی بن یحیی حنفی به واسطه برادرش از پدر؛ (همان: ۵۰۳، ش ۷۹۶)

۲-۴. احمد بن الحسن بن علی بن فضال

نجاشی (۱۳۶۵: ۸۰، ش ۱۹۴) و طوسی (۱۴۲۰: ۵۸، ش ۷۲) وی را «ثقة فی الحدیث» می‌خوانند. دو کتاب به نام‌های الصلاة و الوضوء برای او ذکر کرده‌اند. احمد بن الحسن، طریق و واسطه به کتاب عقبه بن خالد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۹۹، ش ۸۱۴) و نیز طریق به کتاب عمرو بن سعید ساباطی است. (ابن بابویه ۱۴۱۳: ۵۰۸/۴)

بنابر آنچه گذشت، فعالیت فطحیه در انتقال میراث مکتوب اصحاب امامیه به نسل‌های بعد، بسیار عمیق و گسترده است تا جایی که طبق گزارش کُشی در مورد علی بن الحسن بن فضال «کتابی از ائمه در هیچ موضوعی نیست مگر اینکه نزد او موجود است» (کُشی، ۱۴۰۹: ۵۳۰، ش ۱۰۱۴) شهرت و کثرت کتب بنوفضال به قدری است که در گزارشی از شیخ طوسی چنین آمده است: «از حسین بن روح نوبختی - پس از آن که نسبت به ابن ابی العزاقر از ناحیه مقدسه لعن صادر شد - پرسیده شد: با کتاب‌های وی چه کنیم که خانه‌های ما از کتاب‌های او پر شده است؟ حسین بن روح گفت من همان جوابی را می‌گویم که امام حسن عسکری نسبت به کتب ابن فضال فرمود: روایات‌های‌شان را اخذ کنید و نظرهایشان را رها کنید» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۸۹ ح ۳۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۵۲ ح ۷۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷، ۱۰۲) طبق گزارش‌های موجود، بنوفضال در طریق نقل بیش از ۱۲۰ کتاب - کتاب‌های خود و دیگر روایان - قرار دارند به نحوی که برخی از روایات تنها از طریق بنوفضال رسیده است.^{۳۹}

۳. بنوفضال در اسناد کتاب الکافی

حسن بن علی بن فضال در طریق ۷۶۵ روایت قرار دارد که حدود ۸۰ درصد آن توسط ثقات و اجلایی چون احمد بن محمد بن عیسی اشعری (۴۳۹ روایت) و احمد بن محمد بن خالد البرقی (۶۹ روایت) و محمد بن عبد الجبار القمی (۶۲ روایت) و ابراهیم بن هاشم (۵۵ روایت)، نقل شده است.

در کافی شریف این سند بسیار به چشم می‌خورد: «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن





عیسی عن ابن فضال عن ابن بکیر.» به احتمال فراوان روایاتی که با این سند نقل شده است از کتاب عبدالله بن بکیر نقل شده است که رجال این سند، طریق به کتاب وی هستند.^{۴۰} همین سند به احتمال، یکی از طرق کلینی به کتاب علی بن عقبه بن خالد است.^{۴۱} طریق دیگر کلینی به کتاب علی بن عقبه، «علی بن ابراهیم عن ابراهیم بن هاشم عن ابن فضال عن علی بن عقبه» می باشد.^{۴۲} حسن بن علی بن فضال خود دارای کتاب است؛ از ابن فضال ۲۶ روایت بدون واسطه از امام رضا علیه السلام وجود دارد که به احتمال زیاد از کتاب های خود ابن فضال است. بیشتر روایات حسن بن علی بن فضال در کتاب کافی با طریق «محمد بن یحیی العطار عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابن فضال عن الرضا علیه السلام»^{۴۳} توسط کلینی نقل شده است. علی بن حسن بن فضال در طریق ۱۰۸ روایت در کتاب کافی^{۴۴} قرار دارد که بیش از ۸۰ درصد آن توسط احمد بن محمد عاصمی و محمد بن یحیی العطار نقل شده است. ابو عبدالله احمد بن محمد العاصمی از مشایخ کوفی کلینی است^{۴۵} که تعداد روایات وی در کافی ۱۳۶ روایت است که از این میان ۷۵ روایت را از علی بن حسن بن فضال دریافت کرده است. احمد بن الحسن بن فضال نیز در ۸۳ روایت^{۴۶} قرار دارد که از این میان ۶۸ روایت را از عمرو بن سعید المدائنی نقل کرده است. سند «احمد بن ادیس یا محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن احمد بن الحسن بن فضال عن عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقه عن عمار بن موسی سباطی عن امام صادق» بسیار به چشم می خورد.^{۴۷} با وجود اینکه هر چهار نفر آخر در سند فطحی هستند، به نظر می رسد در این سند همه روایات از کتاب عمار بن موسی روایت می شود؛ زیرا شیخ طوسی طریق خود به کتاب عمار بن موسی را (از احمد بن الحسن تا عمار بن موسی) دقیقاً همین طریق معرفی می کند. (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۳۵، ش ۵۲۷) صفار نیز در بصائر الدرجات دقیقاً با همین طریق ۵ روایت ذکر می کند.^{۴۸} محمد بن الحسن بن فضال تنها با ۳ روایت در کتاب کافی حضور بسیار کم رنگی دارد.^{۴۹} بنوفضال در مجموع طریق بیش از ۹۵۰ روایت در کتاب کافی قرار دارند، این تعداد، اعتماد مثال زدنی پیشینیان نسبت به فطحیه و کتاب های شان را به روشنی به تصویر می کشد.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه بیان شد می‌توان گفت بنوفضال با توجه به بیش از ۱۲۰ کتابی که روایت کرده‌اند، یکی از پرکارترین خاندان‌های حدیثی در انتقال حدیث به نسل‌های پسین محسوب می‌شوند. حضور پرتکرار بنوفضال و نیز فطحیان در اسناد کتاب گران‌سنگ کافی و نیز کتب شیخ صدوق و شیخ طوسی، گواه فعالیت عمیق فرهنگی فطحیه در چرخه انتقال احادیث شیعه است. از اقبال عمومی صاحبان کتب اربعه در روایت کردن احادیث فطحیان و نیز موارد بسیار اندکی که به جهت فطحی بودن روایت راوی کنار گذشته شده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فطحی بودن بر خلاف واقعی بودن چندان موجب طعن در راوی و در نتیجه نپذیرفتن روایات وی نمی‌شده است. البته بدون تردید فطحیه یکی از زیرگروه‌های شیعه هستند که فعالیت‌های درون‌گروهی فراوانی دارند؛ حضور زنجیره‌وار فطحیان در نقل روایاتی که از نخستین فطحیان چون عمار بن موسی سباباطی روایت می‌شود، بر این سخن گواهی می‌دهد.^{۵۰} فطحیان زنجیره‌ای از روایان را تشکیل می‌دادند که در اغلب موارد احادیث را از یکدیگر نقل می‌کردند؛ اما این روایت کردن‌های درون‌گروهی خللی به اقبال محدثان امامی و صاحب کتب اربعه در پذیرش و روایت احادیث آنان وارد نساخته است.





۱. ناووسیه گروهی بودند که به مهدویت امام صادق علیه السلام باور داشتند و معتقد بودند او زنده و منتظر ظهور است. این گروه برای این گمان خود به دو نقل از امام صادق استشهاد می‌کردند: «إن رأیتم رأسی قد أهوی علیکم من جبل فلا تصدقوه فإنی أنا صاحبکم» و نیز: «إن جاءکم من یخبرکم عنی أنه مرّضنی وغسلنی و کفنتی فلا تصدقوه فإنی صاحبکم صاحب السیف» (نوبختی، ۱۴۰۴: ۶۷؛ عاملی نباطی، ۱۳۸۴ق: ۱۷۱/۲ (با کمی تفاوت). برای تحقیق بیشتر درباره ناووسیه ن.ک: ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳۷/۱-۴۵؛ و نیز ن.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۵ و ۳۰۷.

۲. این گروه وفات اسماعیل پسر امام صادق علیه السلام را - که در زمان خود حضرت از دنیا رفته بود- انکار کردند، او را همان قائم موعود می‌دانستند که نمی‌میرد تا این که بر زمین حکومت کند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۶۷) برای تحقیق بیشتر درباره اسماعیلیه ن.ک: صابری، ۱۳۸۸: ۱۷۵/۲-۱۰۵؛ و نیز ن.ک: دفتری، ۱۳۷۶ش و نیز ن.ک: لوئیس، ۱۳۶۲.

۳. این گروه به امامت محمدبن اسماعیل بن جعفر باور داشتند و بر این عقیده بودند که امامت را خداوند برای اسماعیل قرار داده بود اما چون او در زمان حیات پدرش از دنیا رفت، امامت به فرزند او محمد منتقل شد، بنابراین عبدالله (افطح) و موسی علیه السلام سهمی در امامت ندارند چون به جز امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام امامت در هیچ دو برادری قرار نمی‌گیرد. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۶۷)؛ ناگفته نماند کشی در مورد محمدبن اسماعیل گزارشی نقل می‌کند که وی نزد هارون الرشید از امام موسی بن جعفر علیه السلام سعایت کرد «خلیفتان فی الأرض: موسی بن جعفر بالمدينة یجی له الخراج و أنت بالعراق یجی لك الخراج» (کشی، ۱۴۰۹: ۲۶۴، ش ۴۷۸) محمدبن اسماعیل همان شب پس از سعایت از دنیا رفت. البته می‌توان مبارکیه را فرقه‌ای از اسماعیلیه دانست. (دفتری، ۱۳۷۶: ۱۱۵)

۴. معتقدان به امامت محمدبن جعفر، برادر کوچکتر امام کاظم علیه السلام که رهبرشان یحیی بن ابی السمیط بود، به همین جهت به سمیطیه شهرت یافتند، محمدبن جعفر در قیام ناموقی بر ضد مأمون عباسی شکست خورد و اندکی بعد درگذشت. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۷۷؛ دفتری، ۱۳۷۶: ۱۱۳)

۵. دلیل این نام‌گذاری این بود که عبدالله سر و یا پای پهنی داشت. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۷۸) شیخ مفید علاوه بر این وجه می‌نویسد: گفته می‌شود جهت این لقب برای فطحیه آن است که رهبرشان یعنی کسی که آنان را به امامت عبدالله دعوت کرد، عبدالله بن اطح نام داشت. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۱/۲)

۶. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن أبي يحيى الواسطي عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله قال: إن الأمر في الكبير ما لم تكن فيه عاهة.» ناگفته نماند طبق بیان شیخ مفید، عاهه در این روایت به معنای هر عیب ظاهری و باطنی است، عیب باطنی عبدالله افطح اعتقاد به مذهب مرجئه بود. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۲)
۷. «جلس مجلس أبيه و ادعى الامامة و وصية أبيه» و نیز «وقالت الفرقة السادسة منهم ان الامام (موسى بن جعفر) بعد أبيه و أنكروا امامه عبدالله و خطأوه في فعله و جلوسه مجلس أبيه و إدعائه لإمامة و كان فيهم من وجوه أصحاب أبي عبدالله»
۸. «و كان عبدالله بن جعفر أكبر إخوته بعد اسماعيل و ادعى بعد أبيه الامامة و احتج بأنه أكبر إخوته الباقين»
۹. عبدالله ادعای امامت داشت و می گفت نیزه پیامبر در دست من است «و عنه، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن بعض أصحابنا، قال: قلت لعبد الله بن جعفر: أنت إمام؟ فقال: نعم. فقلت: إن الشيعة تروي: أن صاحب هذا الأمر يكون عنده سلاح رسول الله صلى الله عليه وآله، فما عندك منه؟ فقال: عندي رمحه. و لم يعرف لرسول الله رمح»
۱۰. «عن أبي عبد الله قال: كان أبو عبد الله عليه السلام يلوم عبد الله و يعاتبه و يعظه و يقول ما منعك أن تكون مثل أخيك فو الله إنني لأعرف النور في وجهه فقال عبد الله لم أليس أبي و أبوه واحداً و أمي و أمه واحدة فقال له أبو عبد الله إنه من نفسي و أنت ابني» ابن بابويه (شیخ صدوق) ۱۴۰۴: ۷۳، ح ۶۳ (با اندکی تفاوت).
۱۱. عبارت چنین است: «... إن عبد الله يزعم أنه من بعد أبيه قال يريد عبد الله أن لا يعبد الله...»
۱۲. عبارت چنین است: «... و بقي عبد الله لا يدخل إليه إلا قليل من الناس فلما رأى ذلك قال ما حال الناس فأخبر أن هشاماً صد عنك الناس قال هشام فأقعد لي بالمدينة غير واحد ليضربوني»
۱۳. در این عبارت شیخ مفید، عاهه را بر عیب باطنی تطبیق نمود نه عیب ظاهری که افطح الرجل یا افطح الرأس بودن او باشد.
۱۴. «ان ابا عبد الله قال وقد خرج من عنده: عبدالله هذا مرجئ كبير، و أنه دخل عليه عبدالله يوماً و هو يحدث اصحابه فلما رآه سكت حتى خرج فسئل عن ذلك فقال: أو ما علمت أنه من المرجئه.»
۱۵. یکی از این دو روایت: عن سليمان بن خالد، قال: كنا عند أبي عبد الله عليه السلام، فقال: كَفَّوْا عَمَّا تَسْأَلُونَ. فأمرنا بالسكوت، حتى قام عبد الله و خرج من عنده، فقال لنا أبو عبد الله عليه السلام إنه ليس على شيء مما أنتم عليه، و إنني لبريء منه، برئ الله منه.
۱۶. «الأفطحية قالوا بانتقال الإمامة من الصادق إلى ابنه عبدالله الأفطح و هو أخو إسماعيل من أبيه و أمه، و أمهما فاطمة بنت الحسين بن علي، و كان أسن أولاد الصادق، زعموا أنه قال الإمامة في أكبر أولاد الإمام، و

قال الامام من يجلس مجلسي، وهو الذي جلس مجلسه و الامام لا يغسله و لا يصلي عليه و لا يأخذ خاتمه و لا يواريه إلا الإمام و الذي تولى ذلك كله، و دفع الصادق وديعة الى بعضى اصحابه، و أمره أن يدفعها إلى من يطلبها منه، و أن يتخذها اماما ما طلبها منه أحد إلا عبدالله و مع ذلك ما عاش بعد أبيه إلا سبعين يوماً و مات و لم يعقب ولداً ذكراً»

۱۷. لازم به ذکر است مرگ زود هنگام عبدالله پیشتر توسط امام صادق عليه السلام پیش بینی شده بود. (کشی، ۱۴۰۹: ۲۵۵)

۱۸. علی رضا بهرامی در پایان نامه «چالش های عقیدتی جریان امامت پس از شهادت امام صادق» ص ۸۱ می نویسد: «اما در نهایت با وفات او (عبدالله افطح)، و باقی نگذاشتن هیچ فرزند پسری از خود طرفداران شبه روایت امامت پس از حسن و حسین علیهما السلام در دو برادر جمع نمی شود، برگشتند و قائل به امامت موسی بن جعفر علیه السلام شدند. با این روند فطحیان به اشتباه خود از ابتدا در تطبیق شرایط ظاهری امامت بر عبدالله و کنار گذاشتن شرایط اصلی پی بردند.» از ظاهر این عبارت این گونه به دست می آید که فطحیان پس از وفات عبدالله به اشتباه خود پی بردند و از اعتقاد به امامت وی روی گردان شدند، اما پذیرفتن امامت موسی بن جعفر علیه السلام دست کم در میان عده ای از فطحیان به معنای نفی امامت عبدالله نبود.

۱۹. به عنوان نمونه اسحاق بن عمار که در فطحی بودن وی تردید جدی وجود دارد. ن.ک: حسینی؛ مرادی، ۱۳۹۰: ۶۰/۳-۳۵؛ و نیز معاویه بن حکیم که نجاشی و طوسی به فطحی بودن وی اشاره نکرده اند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۲، ش ۱۰۹۸)

۲۰. به عنوان نمونه: شیخ طوسی نسبت به حسن بن علی بن فضال آورده است: «روی عن الرضا عليه السلام وكان خصيص أبيه كان جليل القدر عظيم المنزلة زاهداً اورعاً ثقة (في الحديث و) في رواياته» (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۳، ش ۱۶۴) کشی درباره علی بن حسن فضال آورده است «فما رأيت في من لقيت بالعراق و ناحية خراسان أفتقه و لا أفضل من علي بن الحسن بالكوفة» (کشی، ۱۴۰۹: ۵۳۰، ش ۱۰۱۴).

۲۱. طریق نجاشی به کتاب المتعه و کتاب الرجال «وأخبرنا ابن شاذان عن علي بن حاتم عن أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عيسى عنه بكتابه المتعة و كتاب الرجال»؛ طریق نجاشی به کتاب الزهد «أخبرنا أبو عبدالله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه قال: حدثنا عبدالله بن محمد بن بنان عن الحسن بكتابه الزهد.»

۲۲. شیخ طوسی کتاب التفسیر و کتاب الطب را به نقل از ابن ندیم و دو کتاب البشارات و الرد علی الغالیة را به نقل از ابن ولید بیان می کند.



۲۳. حسینی، سیدعلیرضا، حمادی، عبدالرضا «بازشناسی منابع کلینی در کافی»، حدیث پژوهی، شماره ۱۱. برای تحقیق بیشتر ن ک: حسینی، سیدعلیرضا، اعتبار سنجی حدیث شیعه ص ۱۹۴-۱۹۷ و ص ۲۰۳-۲۱۵.

۲۴. ابراهیم بن محمد الاشعری و فضل بن محمد الاشعری برادر هستند و این کتاب را به صورت مشترک تألیف نموده اند.

۲۵. به نظر می رسد مهمترین راوی کتاب عبدالله بن بکیر، حسن بن علی بن فضال است، زیرا پیشتر گذشت که فضل بن شاذان این کتاب را در کوفه نزد وی قرائت کرده بود. شیخ صدوق نیز در مشیخه در طریق خود به کتاب عبدالله بن بکیر نام حسن بن علی بن فضال را ذکر می کند. ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳: ۴/ ۴۲۷.

۲۶. شیخ طوسی در معرفی کتاب علاء بن رزین از چهار نسخه نام می برد که چهار راوی متفاوت دارد. ۱- حسن بن محبوب؛ ۲- محمد بن خالد الطیالسی؛ ۳- محمد بن ابی الصهبان؛ ۴- حسن بن علی بن فضال. شیخ صدوق نیز در طرق خود به کتاب علاء نا ابن فضال ذکر می کند. (ابن بابویه [شیخ صدوق]، ۱۴۱۳: ۴/ ۴۶۱)

۲۷. ابن فضال این کتاب را از علی بن عقبه دریافت کرده و به پسر خود احمد انتقال می دهد.

۲۸. این کتاب قطعاً کتاب پدرش عقبه بن خالد نیست زیرا نجاشی در ترجمه علی بن عقبه می گوید: «له کتاب... و لابیة عقبه کتاب ایضاً ذکره سعد» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۱، ش ۷۱۰).

۲۹. ابن فضال این کتاب را به واسطه ثعلبه بن میمون نقل می کند

۳۰. ابن فضال این کتاب را نیز به واسطه ثعلبه بن میمون نقل می کند. مرحوم شیخ طوسی نام این کتاب را البشارات می داند، چنان که بیشتر از گذشت یکی از کتب حسن بن علی بن فضال البشارات است؛ بنابراین دو احتمال وجود دارد: ۱- کتاب یوسف بن سعید به نام راوی شهرت یافته و به روای نسبت داده شده است؛ ۲- حسن بن علی بن فضال نیز خود کتابی به این نام دارد.

۳۱. ابن فضال این کتاب را به پسرانش منتقل می کند.

۳۲. برای نمونه، ن. ک: کشی، ۱۴۰۹: ۹۴، ش ۱۵۰-۱۷۳، ش ۲۹۶-۳۱۷؛ ۱۸۱، ش ۳۵۳-۲۰۱، ش ۳۷۰-۲۱۰، ش ۳۸۹-۲۱۷، ش ۳۸۳-۲۱۴، ش ۵۶۰-۳۱۰، ش ۵۶۲-۳۱۱، ش ۵۶۷-۳۱۴، ش ۵۷۴-۳۱۸، ش ۶۷۱-۳۶۲، ۷۵۵-۴۰۳، ش ۱۰۴۲-۵۵۲، ش ۱۱۰۶-۵۹۱، ش ۱۱۳۸-۶۱۲.

۳۳. یکی از کتاب هایی که شیخ طوسی برای علی بن حسن بن فضال نام می برد کتاب الاصفیاء است. به احتمال فراوان این کتاب همان کتاب اصفیاء امیرالمومنین است که نجاشی از مشایخش نقل کرده که آنان انتساب این کتاب به وی را نمی پذیرند.

۳۴. «و رأیت جماعة من شیوخنا یذکرون الکتاب المنسوب إلى علي بن الحسن بن فضال المعروف بأصفیاء أمير المؤمنین علیه السلام. و یقولون إنه موضوع علیه، لا أصل له، و الله أعلم قالوا: و هذا الکتاب ألصق روايته إلى أبي العباس بن عقدة و ابن الزبير، و لم نر أحداً ممن روى عن هذين الرجلین یقول قرأته علی الشيخ، غیر أنه یضاف إلى کل رجل منهما بالإجازة حسب»

۳۵. علاوه بر نسخه روایات امام رضا علیه السلام، علی بن حسن بن فضال بدون واسطه از پدرش روایات دیگران را نیز نقل کرده است، به عنوان نمونه از مروان بن مسلم. ن. ک: ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۷۶: ۵۰/۱؛ همو، ۱۳۹۸: ۳۳۷/۱ و ۳۷۱ و ۳۷۲؛ همو، ۱۳۶۲: ۲۱۷/۱.

۳۶. برای تحقیق بیشتر پیرامون روایات بدون واسطه علی بن حسن بن فضال از پدرش ن، ک: مسجدی، حیدر (۱۳۹۶)، «روایات علی بن الحسن بن فضال عن ابیه فیهِ میزان التقییم»، حدیث حوزه، شماره ۱۴.

۳۷. نام کامل کتاب ابان «المبتدأ و المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الردة» می باشد که علی بن حسن بن فضال نقش بسیاری مهمی در انتقال آن دارد. نجاشی آن را «حسن کبیر» معرفی می کند

۳۸. نجاشی در طریق به این کتاب آورده است: «طرق فراوانی به این کتاب وجود دارد اما فقط به خاطر کم شدن حجم کتاب همانطور که در مقدمه وعده کردم برای هر کتاب فقط یک یا دو طریق ذکر می کنم» آن گاه از میان همه آن طرق، طریقی را ذکر می کند که در آن افرادی چون ابن ابی عمیر، ایوب بن نوح و علی بن حسن فضال وجود دارند.

۳۹. به عنوان نمونه می توان به روایاتی که علی بن حسن بن فضال بدون واسطه از نسخه پدرش از امام رضا علیه السلام روایت کرده است اشاره نمود.

۴۰. برای نمونه رک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰/۱، ۹۳، ۱۴۷، ۵۳۸؛ ۱۰۸/۲، ۱۱۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۴۱، ۲۸۰، ۲۷۱، ۳۸۷، ۴۰۸، ۴۴۹، ۴۸۴، ۶۴۹؛ ۱۸/۳، ۲۹، ۳۹، ۵۲، ۵۳، ۹۹، ۱۷۵، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۲۹، ۳۳۶، ۳۵۹، ۴۳۱، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۶.

۴۱. برای نمونه ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹/۱؛ ۷۸/۲، ۱۶۶، ۲۱۳، ۲۵۷، ۲۹۳؛ ۱۳/۳ (عدة من اصحابنا)؛ ۴۱۸/۴؛ ۴۳۸/۵؛ ۵۹۹/۶.

۴۲. برای نمونه ر. ک: ۱۶۹/۳؛ ۵۰۴؛ ۳۹/۴؛ ۲۱۳؛ ۲۵۰/۵؛ ۲۹۷؛ ۴۱۷/۷.

۴۳. ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۰/۳؛ ۴۷۱؛ ۲۰۶/۴؛ ۴۳۸؛ ۱۱۴/۵؛ ۴۲۴/۶؛ ۳۷۸/۸.

۴۴. از این میان شش روایت را از برادر خود احمد نقل کرده است.

۴۵. نجاشی درباره وی می نویسد: «أحمد بن محمد بن أحمد بن طلحة أبو عبد الله و هو ابن أخي أبي الحسن علي بن عاصم المحدثي قال له العاصم كان ثقة في الحديث سالم أخيراً، أصله كوفي و سكن بغداد روى عن الشيوخ الكوفيين» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۳، ش ۲۳۲)

۴۶. از این میان نُه روایت را از برادر خود علی بن حسن بن فضال نقل کرده است.

۴۷. برای نمونه نگاه کنید به: کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۳، ح ۵-۱۸، ح ۴-۳۸، ح ۱۷-۵۹، ح ۵-۸۲، ح ۵-۱۰۰، ح ۳-۱۰۴، ح ۱-۱۴۹، ح ۱۰-۱۵۴، ح ۲-۱۵۹، ح ۱۲-۱۷۴، ح ۲-۲۱۰، ح ۴-۲۵۱، ح ۷-۲۸۵، ح ۳.

۴۸. صفار، ۴۱، ح ۱۸؛ ۴۶، ح ۱۲؛ ۹۱، ح ۵ و ۳۱۵ (با تصحیف اسم احمد به محمد و عمرو به عمر)

۴۹. کلینی، همان: ۴۰۶/۲؛ ۲۴۲/۴ و ۴۷/۷. هر سه توسط برادرش علی بن حسن بن فضال روایت شده است.

۵۰. برای نمونه از ۵۳۵ روایتی که از عمار بن موسی در کتب اربعه نقل شده بیش از ۳۴۸ مورد یعنی ۷۳/۷۳ درصد توسط مصدق بن صدقه نقل شده که خود فطحی است و همه ۳۵۰ روایت مصدق بن صدقه (به جز یک روایت) از عمرو بن سعید مدائنی نقل شده که خود فطحی است و از ۳۸۳ روایت عمرو بن سعید، ۳۴۸ روایت یعنی نزدیک به ۹۰ درصد در صد توسط احمد بن الحسن بن علی بن فضال روایت شده که خود فطحی است. و بیش از ۴۱ درصد در صد روایات عبدالله بن بکیر که فطحی است توسط حسن بن علی بن فضال روایت شده است.



منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، علی بن الحسین (۱۴۰۴ق)، *الامامیه و التبصره من الحیره*، قم: مدرسه الامام المهدي.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، *من يحضره الفقيه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. _____، (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیة.
۴. _____، (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۵. _____، (۱۳۹۸ق)، *التوحيد*، قم: جامعه مدرسیه.
۶. _____، (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۷. برنارد، لویس (۱۳۶۲)، *تاریخ اسماعیلیان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۸. بهرامی، علیرضا (۱۳۹۱)، «چالشهای عقیدتی جریان امامت پس از شهادت امام صادق»، استاد راهنما: سید محمد کاظم طباطبائی، استاد مشاور: علی راد؛ دانشکده علوم حدیث.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۰. حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۷)، *اعتبارسنجی احادیث شیعه*، تهران: سمت.
۱۱. حسینی، سید علیرضا، مرادی، مهدی (۱۳۹۰)، «پژوهشی در مذهب غیاث‌بن کلوب»، *حدیث حوزه*، شماره ۳، ص ۳۵-۶۰.
۱۲. _____، حمادی علیرضا (۱۳۹۳)، «بازشناسی منابع کلینی در الکافی»، *حدیث پژوهی*، شماره ۱۱.
۱۳. دفتری، فرهاد (۱۳۷۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، تهران: فرزانه.
۱۴. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۳ق)، *الملل و النحل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. عاملی نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق)، *الصراط المستقیم الی مستحقی*

التقديم، نجف: المكتبة الحيدرية.

١٦. قمى، عباس (١٤١٤ق)، *سفينة البحار*، قم: اسوه.
١٧. صابرى، حسين (١٣٨٨)، *تاريخ فرق اسلامى*، تهران: سمت.
١٨. طوسى، محمدبن الحسن (١٤١١ق)، *الغيبه*، قم: دارالمعارف الاسلاميه.
١٩. _____، (١٤٢٠ق)، *فهرست كتب الشيعة و اصولهم*، قم: مكتبه

المحقق الطباطبائى.

٢٠. كلينى، محمدبن يعقوب (١٤٠٧ق)، *الكافى*، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٢١. كشى، محمدبن عمر، *رجال الكشى*، مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد.
٢٢. مجلسى، محمدباقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار*، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢٣. مسجدى، حيدر، «روايات على بن الحسن بن فضال عن ابيه فى ميزان التقييم»
حديث حوزه، شماره ١٤، بهار و تابستان ١٣٩٦.
٢٤. مفيد، محمدبن محمدبن النعمان (١٤١٣ق)، *الفصول المختاره*، قم: كنگره شيخ
مفيد.
٢٥. _____، (١٤١٣ق)، *الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد*، قم: كنگره
شيخ مفيد.

٢٦. نجاشى، احمدبن على (١٣٦٥ق)، *رجال*، قم: موسسه النشر الاسلامى.
٢٧. نوبختى، حسن بن موسى (١٤٠٤ق)، *فرق الشيعة*، بيروت: دارالاضواء.

این مقاله از سامانه مطالعات اعتبار سنجی حدیث به آدرس

<http://vsh.journals.hozekh.com>

دریافت شده است.